

نگاهی نو به شعر موج نو

پرنده‌ی کاغذی

✽ آذر یوسفی

دبیر زبان و ادبیات فارسی اداره‌ی آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران، منطقه‌ی چهارانگه

چکیده:

در این مقاله، نویسنده شعر موج نو و علل پیدایش آن را توضیح می‌دهد و سپس ویژگی‌های این شعر و هم‌چنین اشعار احمدرضا احمدی را بررسی می‌کند و در پایان به ذکر انواع شعر موج نو می‌پردازد.

مقدمات پیدایش شعر موج نو

پس از به عرصه آمدن «نیما» و گشوده شدن راه تازه، شعر نو فارسی به‌ویژه در طول سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۲۰ تغییرات بسیار یافت. شاعران پیرو نیما، از او درس‌های بسیار آموختند. عده‌ای از جنبه‌ی تغزل و غنا و تصویرسازی او پیروی کردند و برخی رهنمودهای اجتماعی او را پذیرفتند و هر کدام نماینده‌ی گروهی خاص شدند. آن‌ها چیزی را ویران نکردند، بلکه با استفاده از میراث زبان و فرهنگ چیز تازه‌ای ارائه دادند. این نوآوری حساب و قاعده‌ای داشت و ثمره‌ی شهرت طلبی و بی‌اعتنایی به فرهنگ ملی نبود.

اما می‌دانیم در هر دوره‌ای، شاعر واقعی نادر است. در این دوره شهرت طلبان همین‌که توجه مردم را نسبت به شعر نو دیدند، برای شهرت و ارضای خودپسندی خویش دستاویزی نیرومند یافتند. جوانان شتاب‌زده نیز که فریفته‌ی نوآوری بودند، بدون مطالعه‌ی کافی به قلمرو شعر هجوم

کلید واژه‌ها: شعر موج نو، احمدرضا احمدی، طرح، تقلید، فراوانی تصویر، دوری از وزن، رونویس و واقعیت.

آوردند و باعث آشفتگی‌هایی در زمینه شعر شدند. (سایه روشن شعر نو فارسی، ص ۱۷۴) در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۰، هوشنگ ایرانی بعد از بازگشت از اروپا، تحت تأثیر سوررئالیسم اروپایی، چندین مجموعه‌ی شعر-که از هر نظر تازگی داشت-انتشار داد. اما این دوره برای این حرکت نبوغ‌آسای ایرانی زمان مناسبی نبود و در نتیجه اعتراض نوپردازان و کهنه‌سرایان را به همراه داشت. هوشنگ ایرانی به محض ورود به ایران با همان ذوق زدگی و خوش‌باوری

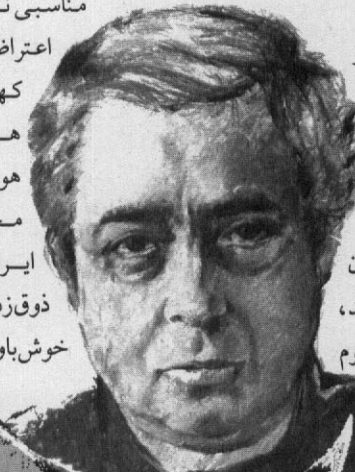
و ناپختگی، چند کتاب شعر چاپ کرد و بلافاصله با تمسخر و توهین مواجه شد و خود را باخت و کناری نشست و به عزلت پناه برد. شعر احمدی-هم‌چون شعر سپهری-زاده‌ی شعر ایرانی بود که به موقع متولد شد. او از یک اقبال تاریخی بهره‌مند شد و آن این بود که ذوق زیباشناختی و آغاز فعالیت شاعری او در سال ۱۳۴۱، با ذوق و نیاز عمومی اقشار نوظهوری در جامعه هم‌زمان شد که منتظر اشعاری متفاوت و غیر متعهد و بسیار مدرن بودند.

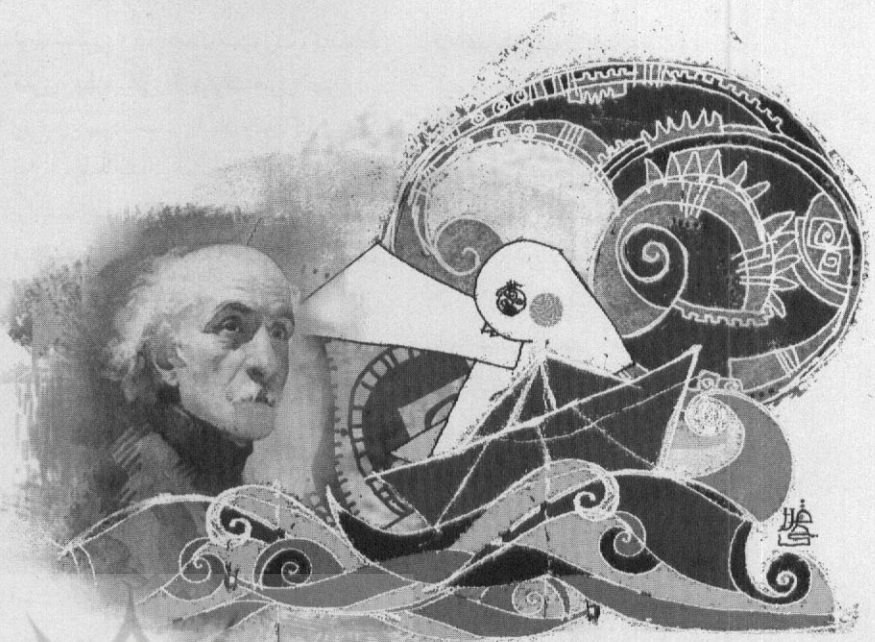
«طرح» و احمدرضا احمدی

نخستین نمونه‌ی موج نو، کتاب «طرح» از احمدرضا احمدی، شاعر بیست و یک ساله‌ی کرمانی بود. طرح با بیست و چهار قطعه شعر، در قطع خشتی و طرح غریب روی جلد با حروف الفبا-در آذرماه ۱۳۴۱ منتشر شد. انتشار این کتاب سرآغاز شعر موج نو در ایران بود. طرح پس از انتشار، با دو عکس‌العمل کاملاً متفاوت مواجه شد: (۱) استقبال وسیع جوانان ضد

شهرت
آموزش زبان
و ادب فارسی

دوره‌ی بیستم
شماره‌ی ۳
تابستان ۱۳۸۶





مشخصات شعر موج نو

اسماعیل نوری علاوه بر فعال‌ترین شاعران و منتقدان و روزنامه‌نگاران و مفسران و مدافعان شعر موج نو در دهه‌های چهل و پنجاه بود. او در کتاب خود با عنوان «صور و اسباب شعر امروز ایران» ویژگی‌های شعر موج نو را این گونه برمی‌شمارد:

- (۱) جدا بودن وظیفه‌ی عملی و روزمره‌ی کلمات در شعر موج نو
- (۲) ایجاد مناسب و مناسباتی دیگر بین

کلمات، اشکال و اشیا

(۳) ایجاد فضای ذهنی تازه و دور از ذهن؛ نه از طریق توصیف و تشریح، بلکه از طریق فضاسازی؛ و آن هم نه سطر به سطر که در کلیت یک شعر (تاریخ تحلیل شعر نو، ص ۴۰).

هم‌چنین عبدالعلی دستغیب در کتاب «سایه‌روشن شعر نو پارسی» ویژگی‌های مشترک موج نو و یا به قول او «موج انحراف» را استخراج کرده و برمی‌شمارد که مهم‌ترین آن‌ها از نظر وی عبارت‌اند از:

(۱) دوری از زبان پارسی: این نوشته‌ها به طرز عجیب، از روح و ساختمان زبان پارسی دورند و غالباً به ترجمه‌ای ناقص می‌مانند. در این نوشته‌ها گاه جای درست کلمه در کلام عوض شده و گاه واژه‌های نادرست به کار رفته است و این دور شدن از ساختمان زبان، «زبان شعر» نام گرفته. این گونه دست‌اندازی به حریم مفهوم واژه‌ها حکایت‌گری اطلاعاتی از سایه روشن زبان است.

(۲) تقلید: غالب این نوشته‌ها تقلید از شعرهای شاعران موفق معاصر یا تقلید از اشعار

غریب‌تر بزنند، کمال و پختگی شعر بیش‌تر جلوه خواهد کرد (شعر نو، از آغاز تا امروز، ص ۵۰). پیچیدگی و ابهامی که در شعر این شاعران می‌بینیم از نوع ابهامی نیست که در شعر «حافظ» یا «دانته» دیده می‌شود، بلکه پیچیدگی و ابهامی است تصنعی (صور و اسباب در شعر امروز، ص ۱۹۵).

در شعر این گروه به جز حرف‌های عجیب و غریب و معماوار به چیزی نمی‌توان برخورد. گویی آغاز هر سطر، در بسته‌ای است که یا باز نشدنی است و یا به چنان کوره‌راه جنگلی سردرگم و نودرتویی می‌رسد که تصور پایان آن ممکن نیست و اگر هم باشد، هنگامی که از سرگیجی این «هزار تو» فراغت یافتیم و دیگر بار به «خود» آمدیم، احساس خواهیم کرد که جز مشت‌ی اشباح و اشیای نامشخص و بی‌شکل چیزی در ذهنمان نمانده است و این نکته‌ای است که شاعران این گروه اگر آن آمادگی و استعداد لازم را داشتند، یقیناً بدان توجه می‌کردند. چنان‌که احمد رضا احمدی فهمید و به راه دیگری پا نهاد (شعر نو، ص ۵۰).

سنت‌گرایی که در همه‌ی زمینه‌های اجتماعی، هنری و فرهنگی... طرفدار مدرنیسم و آزادی عمل بودند و از اشعار کنایه‌آمیز نفرت داشتند و برای هنر عنایتی جز خود هنر نمی‌شناختند.

(۲) تمسخر و نفرت و اعتراض سنت‌گرایان و هواداران شعر سیاسی متعهد که روند مدرنیستی «انقلاب شاه و مردم» را حرکتی ضد مردمی دانسته و مبارزه با رژیم و ابزار فرهنگی‌اش (از جمله شعر غیر متعهد) را به منظور رهایی ملت، غایت هنر می‌دانستند.

پس از انتشار اشعار طرح، فریدون رهنما با الهام گرفتن از نام «سیمای موج نو فرانسه» که در آن سال‌ها طرفداران فراوانی در ایران داشت. این نوع اشعار را «موج نو» نام نهاد. (تاریخ تحلیل شعر نو، صص ۳۶-۳۲)

شاعران موج نو

این شاعران تصور کردند که هرچه کلام به سوی پیچیدگی رود و هرچه تعبیرات لفظی و معنوی با استعمال ترکیبات اضافی زیاده‌تر شود و حرف‌های عجیب‌تر و

غریبان است. بهره‌برداری فرهنگی از غرب کاری اساسی و اصولی است اما نه به صورتی که فرهنگ و شعر ما در سیر فرهنگی آن‌ها حل شود و موجب گردد که محیط و میراث فرهنگی خود را فراموش کنیم. ما می‌توانیم از آن‌ها روش کار را بیاموزیم، اما تقلید صرف هنر غرب کاری ضد فرهنگ و ضد هنر است. این کاری است که باید به شدت از آن پرهیز کرد.

تأثیرپذیری از شعر اروپایی و آمریکایی، به شرطی که موجب آفرینش تازه‌ی متناسب با ساختمان زبان‌ها گردد، کاری اساسی است. در غیر این صورت کاری غیر شاعرانه است.

(۳) فراوانی تصویر: در تمام قطعه، این گونه بازی با واژه‌ها ادامه پیدا می‌کند و هنگامی که خواننده نفس زنان، خواندن نوشته را به پایان برد، کلیتی در قطعه نمی‌بیند. در این قطعه‌ها هیچ چیز روشن نیست و پس از دقت بسیار نیز روشن نمی‌شود. تصویرها پشت سر هم می‌آیند و می‌گذرند بی آن‌که تأثیری در روح خواننده داشته باشند و او را به هیجان آورند. باید دانست تصویری که به فهم کلی شعر و کمال آن کمک نکند، دلیل فقدان اندیشه است.

(۴) دوری از وزن: دوری از وزن به عده‌ای امکان داده است که نوشته‌های نازیبایی را به نام شعر عرضه کنند و آن را هنر جدید بخوانند. وزن به شکل آن کمک می‌کند، واژه‌ها و مفهوم‌های شعر را دقیق‌تر و هیجانات انسان‌ها را نافذتر می‌سازد. رابطه‌ی معنی و وزن و آهنگ شعر، از چیزهایی است که مورد تأیید همه شاعران و شعرشناسان ایرانی بوده است، و با وسعتی که وزن عروضی دارد و با گستردگی بیش‌تری که «نیم‌ا» به آن بخشیده است، دلیلی برای کنار گذاشتن وزن وجود ندارد.

(۵) رونویسی واقعیت: عیب دیگر این نوشته‌ها نسخه‌برداری از واقعیت است. در این نوشته‌ها نوعی بی‌بند و باری نسبت به تمام مسائل اجتماعی و هنری دیده می‌شود. در نظر

نویسندگانی از این دست مسئولیت، انضباط هنری، بهره‌برداری از میراث هنری کهن و... پوچ و بیهوده است. اینان چون گذشته‌ای ندارند، طبعاً آینده‌ای هم نخواهند داشت. آن‌چه برایشان مهم است، نیازهای اساسی جامعه و فرد نیست، بلکه کنار هم نهادن واژه‌های مبهم است. نوشته‌های «موج‌نو» یا مجموعه‌ای از واژه‌های گنگ و مبهم و یا بیان چیزهای بی‌اهمیت است.

بنابراین آن‌چه به نام «موج‌نو» عرضه می‌شود، موج نو نیست بلکه نوعی کهنگی است که جامعه‌ی تازه به تن کرده است تا خود را جوان جلوه دهد. این «چیز» فرمالیسم و انحراف است. گوینده‌ی این «چیز» می‌خواهد با شکل شعر و به هر بافتن عجیب و غریب واژه‌ها، خواننده را به شگفتی درآورد، در حالی که در ذات سخن او تازگی و اعجابی نیست.

شک نیست که نوآوری و تازه‌جویی اساس هنر است. اما به وجود آوردن جریان و موج هنری از روی تصنع ممکن نیست. این کار مستلزم شرایطی است. برای این کار هوش و دانایی فوق‌العاده و درگیر شدن با جریان‌های حاد اجتماعی الزام است. هنرمند باید در میان مردم و با آن‌ها باشد و از سرچشمه پربرکت افسانه‌ها و تجربه‌های مردم جامعه خویش الهام گیرد. او پاسدار حقیقت و مشعل دار فرهنگ است. در برابر آن‌چه در جامعه رخ می‌دهد مسئول است و باید در برابر رویدادهای بیدادگرانه سکوت نکند و با تیرگی‌ها بستیزد.

انواع شعر موج نو

احمدی از آن‌جا که آغازکننده‌ی حرکت جدیدی در شعر فارسی شد، هر بخشی از کار او پیروان جداگانه‌ای یافت و بدین ترتیب انشعاباتی در شعر موج نو پدید آمد. خصوصیات شعر احمدی را می‌توان در شاخه‌ی شعر «موج

نو اصیل» یافت. البته آن‌چه تا به حال درباره‌ی شعر موج نو گفتیم با اضافه کردن قدرت ایجاد ارتباط با مخاطب، به این شاخه از شعر موج نو مربوط می‌شود. آغازکننده‌ی این شاخه از شعر موج نو را نیز باید احمدرضا احمدی دانست. او در شعر خویش از وزن دوری می‌کرد و کاربرد آن را لازم نمی‌دانست. به همین دلیل این شاخه به «نثرگرایان اصیل» معروف شد و شاعرانی چون محمدرضا اصلانی، شاهرخ صفایی، شهران شاهرختاش، فریدون معزی مقدم، م. نوفل، محمدرضا فشاها، عظیم خلیلی، مجید نقیسی و تیرداد نصری در این زمینه به فعالیت پرداختند.

در کار این شاعران اغلب توجهی به وزن نشده است، اما در آثار همه‌ی آن‌ها کوششی برای دست یافتن به یک زبان منسجم و آهنگین صورت گرفته است. به خصوص در این مورد تلاش شهرام شاهرختاش بیش از دیگران قرین توفیق بوده است.

دومین شاخه از این شعر به «نظم‌گرایان اصیل» معروف شد. البته فعالیت در این شاخه به شکل محدودتری عرضه شده است و این کوشش‌ها نشان‌دهنده‌ی این موضوع‌اند که شاعران در این شاخه بیش‌تر از تجربه‌های دو مکتب «نوآوران» و «شکل‌گرایان» در شعر نیمایی الهام گرفته‌اند. جواد مجابی و حسین مهدوی (م. مؤید) از شاعرانی هستند که در این زمینه به فعالیت پرداختند.

شاخه‌ی دیگر این نوع شعر را «موج نو مشکل» نام می‌گذاریم. در این نوع شعر همه‌ی خصوصیات موج نو دیده می‌شود. البته با این تفاوت که اگر در شاخه‌ی موج نو اصیل، کوششی برای ایجاد ارتباط با مخاطب صورت گرفته، اما در این شاخه، شعر به صورت مشکل و نامفهوم درآمده و گاه مخاطب نمی‌تواند با آن ایجاد ارتباط نماید.

به طور کلی پیدایش این نوع

شعر باعث شد که موج نو نتواند به زودی حقایقت خود را به اثبات برساند و مورد استقبال قرار گیرد. اگر رضا پراهنی در کتاب «طلا در مس» خود، شعر احمدرضا احمدی را بیچگانه و بی منطق می‌داند، به این قسمت از آثار او که جزو اشعار اصلی او محسوب نمی‌شوند، چشم دارد و اگر عبدالعلی دستغیب وجود چنین موجی را به عنوان یک تحول شعری انکار می‌کند، باز بیش تر روی سخنش با شاعران این شاخه از شعر موج نو است.

البته شاخه‌ی «موج نو مشکل» نیز به دو شاخه‌ی «نثرگرایان مشکل‌گو» و «نظم‌گرایان مشکل‌گو» تقسیم می‌شود. اولین کسی که در شاخه‌ی «نثرگرایان مشکل‌گو» به فعالیت می‌پردازد، بیژن الهی است. او که در اشعار نخستین خود به ساده‌گویی و ایجاد ارتباط با خواننده تمایل دارد، اما به تدریج از این کار دوری می‌کند و اشعارش یکباره به حجمی سیاه و دست‌نیافتنی تبدیل می‌شود. پس از الهی، شاعرانی چون بهرام اردبیلی، پرویز اسلام‌پور، هوتن نجات، حسین رسائلی و حمید عرفان در این زمینه به فعالیت پرداختند و در این مسیر به شدت افراط کردند.

در شاخه‌ی «نظم‌گرایان مشکل‌گو» نیز یدالله رؤیایی از خود اشعاری بر جای گذاشته است. او در آغاز از «شعر نوی میانه‌رو» برید تا به «محتواگرایان» بپیوندد و شعبه‌ی «شکل‌گرایان» را در شعر نوی نیمایی به وجود آورد، اما به زودی مجذوب شعر موج نو شد و تمام تسلط شاعرانه‌ی خویش را به عنوان مدرن‌ترین شاعر ایران در اختیار این نوع شعر قرار داد. اما متأسفانه به جای این که اصالت موج نو را حفظ کند و به تکمیل و توسعه‌ی شاخه‌ی شعر «موج نو اصیل» پردازد به این شاخه روی آورد و شاعر «نظم‌گرای مشکل‌گو» شد. (صور و اسباب...، صص ۳۲۱-۳۱۷)

در پایان این قسمت نمونه‌ای از شعر موج نو، سروده‌ی احمدرضا احمدی را می‌آوریم:

پرنده‌ی کاغذی

پرنده‌ی من کاغذی بود

از دو تکه کاغذ

جامه‌ای که من بدو پوشیده بودم سپید

بود

پرنده بدان دو سکه نقره آویخته بود که

کولی‌ها را بفرید.

پرنده‌ی من کاغذی بود

کودک بود

بازی می‌کرد

هر رنگ را می‌شناخت

به من نشان می‌داد

هر رنگ یک صبحگاه روی سینه‌اش

مهمان بود

شب فردا با آن رنگ قهر می‌کرد

رنگ‌ها از دودین، رفتن، ایستادن،

پریدن، و آشتی و قهر کردنش

خرسند بودند.

پرنده‌ی من کاغذی بود

کودک بود

در باد و باران با سقف‌ها دوست و

همبازی می‌شد

در آفتاب با فرزند آفتاب فرار می‌کرد

و فردایش آوایش طلایی بود

فرزند آفتاب غمین و لال بود

پرنده‌ی کاغذی زبان فرزند آفتاب را

استوار می‌کرد

زبانش را از پسران پنهان می‌داشت

از کاغذهای یادبادک فرزند آفتاب برای

دختران خانه می‌ساخت که در فکر

عروسی

باشند

پرنده‌ی کاغذی من کودک بود

بازی می‌کرد...

نتیجه‌گیری

احمدرضا احمدی، شاعر بیست و یک ساله‌ی کرمانی، کتاب خود را با عنوان «طرح» در سال ۱۳۴۱ منتشر کرد. او با انتشار این کتاب تحولی در شعر نو پدید آورد که بعدها به نام «موج نو» مطرح گردید.

انتشار این کتاب، هم با استقبال وسیع جوانان ضد سنت‌گرا مواجه شد و هم با تمسخر و اعتراض سنت‌گرایان و هواداران شعر سیاسی. اما سه سال بعد با انتشار کتاب «روزنامه‌ی شیشه‌ای» از احمدی و نیز مقاله‌ای از مهرداد صمدی، این نوع شعر تازه بیش تر معرفی گردید.

آشفته‌گی و نبود معنا از ویژگی‌های بارز شعر احمدی است و هم چنین بی‌وزنی مشخصه‌ی دیگر اشعار وی و یکی از بزرگ‌ترین کاستی‌های شعر اوست. تصاویری که در اشعار او به چشم می‌خورد، تصاویر زیبایی هستند که ذهن خواننده در برخورد با آن‌ها گاه دچار ابهام می‌شود و برای تحلیل و عینی کردن آن‌ها در ذهن تلاش فراوانی می‌کند.

عبدالعلی دستغیب به ویژگی‌هایی چون دوری از زبان فارسی، تقلید، فراوانی تصویر، دوری از وزن و هم چنین رونویسی واقعیت اشاره کرده و آن‌ها را جزء مهم‌ترین خصوصیات شعر موج نو دانسته است.

و در پایان نوری علا شعر موج نو را به شاخه‌هایی چون موج نو اصیل، نظم‌گرایان اصیل و هم چنین موج نو مشکل تقسیم می‌کند و به ذکر شاعرانی می‌پردازد که در این زمینه فعالیت کردند.

منابع و مأخذ.....

۱. پراهنی، رضا. طلا در مس، چاپ اول، ۱۳۷۱
۲. حقوقی، محمد. شعر نو از آغاز تا امروز، نشر ثالث، تهران، ۱۳۷۱
۳. دستغیب، عبدالعلی. سایه‌روشن شعر نو پارسی، انتشارات فرهنگ، اردیبهشت ۱۳۴۸
۴. لنگرودی، شمس. تاریخ تحلیل شعر نو، چاپ سوم، نشر مرکز، ۱۳۷۸